



Its Verbs and Dependencies in the Construction of Irony in Kurdish and its Analogy with Persian

Cheten Tash¹ & Mahmood Jafari Dehaghi²

Kurdish is a chain of interconnected dialects of Western Iran. Phonetically, morphologically and syntactically, this language has many features in common with the new Iranian languages around it, as well as Middle Iranian languages, such as Middle Persian. One of these features is the irony. In the construction of irony, the behavior of the subject and the direct object is fundamentally different from the subject-object system in terms of state and indication. According to the dependency order, each verb has dependencies that necessarily accompany it based on its capacity. The subject, the direct object, and the indirect object are the dependencies of the verb. In this research, based on the dependence order, the behavior of the verb and its relation with its dependencies in the construction of irony in Kurdish language have been studied and compared with Middle Persian. And by examining examples from Kurdish and Middle Persian languages, an attempt has been made to analyze the issue of verb matching, and at the end, a special case of verb matching in these languages is examined. Kurdish is a chain of interconnected dialects of Western Iran. Phonetically, morphologically and syntactically, this language has many features in common with the modern Iranian languages around it, as well as Middle Iranian languages, such as Middle Persian. One of these features is the irony. In the construction of irony, the behavior of the subject and the direct object is fundamentally different from the subject-object system in terms of state and indication. According to the dependency order, each verb has dependencies that necessarily accompany it based on its capacity. The subject, the direct object, and the indirect object are the dependencies of the verb. In this research, based on the dependence order, the behavior of the verb and its relation with its dependencies in the construction of irony in Kurdish language have been studied and compared with Middle Persian. And by examining examples from Kurdish and Middle Persian languages, an attempt has been made to analyze the issue of verb matching, and at the end, a special case of verb matching in these languages is examined.

Keywords: Irony construction, verb capacity, verb matching, Kermanji Kurdish, Middle Persian.

Received: 18. September. 2021: Accepted: 20. January. 2021

doi
10.22059/jis.2021.330855.1034
Print ISSN: 2252-0643-Online ISSN: 2676-4601
<https://jis.ut.ac.ir>

1. Ancient Culture and Languages of Tehran University, Tehran, Iran.

2. Professor of Ancient Culture and Languages of Tehran University, Tehran, Iran.

Email of the corresponding author: mdehaghi@ut.ac.ir

فعل و وابسته‌های آن در ساخت کنایی در کردی و قیاس آن با فارسی میانه

چنتین تاش

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمود جعفری دهقی^۱

استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

علمی - پژوهشی

چکیده

زبان کردی زنجیره‌ای از گویش‌های به‌هم‌پیوسته ایرانی غربی است. این زبان از نظر آوایی، صرفی و نحوی دارای ویژگی‌های مشترک بسیاری با زبان‌های ایرانی نو در پیرامون خود و همین‌طور زبان‌های ایرانی میانه، مانند فارسی میانه، می‌باشد. یکی از این ویژگی‌ها ساخت کنایی است. در ساخت کنایی رفتار فاعل و مفعول مستقیم از نظر حالت‌دهی و نشان‌داری با نظام فاعلی-مفعولی تفاوت بنیادین دارد. از نظر دستور وابستگی هر فعل بر اساس ظرفیت خود دارای وابسته‌هایی است که به‌طور الزامی همراهش می‌آیند. فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیر مستقیم وابسته‌های فعل محسوب می‌شوند. در این پژوهش بر پایه‌ی دستور وابستگی، رفتار فعل و رابطه آن با وابسته‌هایش در ساخت کنایی در زبان کردی بررسی و با فارسی میانه مقایسه شده است. و با بررسی مثال‌هایی از زبان‌های کردی و فارسی میانه کوشش شده است تا مسئله تطابق فعل تحلیل شود و در پایان یک حالت ویژه از تطابق فعل در این زبان‌ها بررسی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: ساخت کنایی، ظرفیت فعل، تطابق فعل، کردی کرمانجی، فارسی میانه.

۱. مقدمه

در برخی از زبان‌های ایرانی میانه و نو، ساختی وجود دارد که در آن فعل ماضی متعدی به جای تطابق با فاعل در شخص و شمار، با مفعول مستقیم جمله مطابقت می‌کند. این ساخت را کنایی/ارگاتیو می‌نامند. در حالی که زبان‌های ایرانی کهن زبان‌هایی دارای نظام فاعلی-مفعولی بوده‌اند پدید آمدن این ساخت در زبان‌های ایرانی میانه و نو همواره برای دانشمندان پرسش‌برانگیز بوده است. از سوی دیگر شاهد آن هستیم که این ساخت در زبان‌های ایرانی نو از بین رفته و یا در حال از بین رفتن است. برای نمونه ساخت کنایی در زبان فارسی میانه وجود دارد در حالی که در زبان فارسی دری اثری از این ساخت مشاهده نمی‌شود. ساخت کنایی در زبان کردی نیز همین مسیر را پیموده است. از آنجا که کردی زبان واحدی نبوده و زنجیره‌ای از گویش‌های به هم پیوسته است که در مراحل مختلفی از مسیر تحول تاریخی خود هستند، سیر پدید آمدن و نابودی ساخت کنایی در این گویش‌ها کاملاً قابل شناسایی است. این سیر از وجود ساخت کنایی در کردی شمالی (کرمانجی) آغاز شده و به نابودی کامل آن در کردی جنوبی که دارای نظام فاعلی-مفعولی است، ختم می‌شود. به همین دلیل مطالعه ساخت کنایی در زبان کردی همواره توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است. با توجه به اصول حاکم بر ساخت کنایی و نظام مطابقت فعلی که ویژه این ساخت است، در این پژوهش کوشیده‌ایم که رابطه فعل و وابسته‌های آن در جمله یعنی فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیر مستقیم در زبان کردی بررسی و با فارسی میانه قیاس شود.

۲. پیشینه پژوهش

منشأ پیدایش ساخت کنایی (ارگاتیو) در زبان‌های ایرانی محل بحث سه زبان‌شناس معروف بوده است. بنونیست^۱ (۱۹۵۲/۱۹۷۱) و کاردونا^۲ (۱۹۷۰) و در کنار آن‌ها، شروو^۳ (۱۹۸۵) به این موضوع پرداخته‌اند. بنونیست بر آن بود که باید منشأ ساخت کنایی را در این ساخت در فارسی باستان جست:

- ima tya mana krtam
- here is what I have done

- این است آنچه من کرده‌ام.

1. Benveniste, E; (1952): «La Construction passive du parfait transitif» Bulletin de société de Linguistics, 48, 52-62 (translated in his problems in general linguistics pp. 153-161)
2. Cardona, G. (1970): «The Indo- Iranian construction mana (mama) krtam» Language, 46. 1-12
3. Skjaervø, P.O (1985): «Remarks on the old Persian Verbal system» Munchner Studien zur sprachwissenschaft, 45; 211-227

او با آوردن این نمونه، عبارت mana krtam فارسی باستان را که در فارسی میانه بصورت man kart تداوم یافته و در فارسی امروز به صورت man kardam به کار می‌رود، یک ساخت ملکی معرفی می‌کند و آن را منشأ ساخت ارگاتیو-کنایی فارسی میانه می‌داند (دبیر مقدم ۱۳۹۲: ۱۹۸).

کاردونا (۱۹۷۰) نیز به تحلیل ساخت مورد بحث می‌پردازد و به فعل مجهول ayadia «پرستیده شد» اشاره می‌کند و تکواژ مجهول ساز ya- را مورد تحلیل قرار می‌دهد. شروو (۱۹۸۵) به جایگاه ساخت نامبرده در مثال فوق از بنونیست بازگشته و به تحلیل این ساخت در نظام فعلی فارسی باستان از دیدگاه هم زمانی پرداخته است. وی به پیروی از کاردونا ساخت mana kartam را ساختی مجهول در نظر می‌گیرد که عامل / کنشگر نیز در آن حضور دارد (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۲۰۲-۲۰۴).

پین نیز (۱۹۷۹) با تکیه بر گویشوران کرمانجی شوروی سابق درباره ساخت کنایی در کردی کرمانجی پژوهش کرده است. این پژوهشگر کوشید با روش تطبیقی و با تکیه بر گویشوران ترکیه و نگاهی به پژوهش‌های جدید در ادبیات کردی در ایران به این مهم دست یازد. پین نیز به پیروی از کاردونا، پدیدآمدن ساخت کنایی را حاصل فرآیند تبدیل ساخت معلوم به مجهول می‌داند که پس از فروپاشی نظام حالت‌های دستوری، حالت‌های غیر فاعلی مانند اضافی و برایی تحت عنوان یک حالت غیر صریح جمع شده و عامل فعل مجهول (در حالت اضافی) به صورت غیر صریح در ساخت کنایی ظاهر می‌شود. محمد دبیر مقدم (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی در این زمینه به زبان فارسی پژوهش کرده که به طور گسترده‌ای مورد استفاده و دقت این پژوهش قرار گرفته است. از دیدگاه وی با توجه به روند پدیدآمدن و فروپاشی ساخت کنایی در زبان‌ها و گویش‌های گوناگون ایرانی، می‌توان بر پایه این ویژگی نیز جهت رده‌بندی زبان‌های ایرانی سود جست.

۳. چارچوب نظری

۳.۱. زبان کردی

کردی نهاد زبانی استوار و استانده و دارای وضعیت زبانی رسمی یا دولتی نیست. بلکه زنجیره‌ای از گویش‌های نزدیک به هم است که در یک منطقه جغرافیایی بزرگ، متشکل از چندین استان در چند کشور، تکلم می‌شود. در زمینه‌های صرفاً زبانی از نظر پائول کاملاً روشن است که چه چیزی به «زبان کردی» تعلق دارد. از آن زبان‌هایی که ادعا می‌شود کردی هستند، زازاکی (که در شرق آناتولی تکلم می‌شود) و گورانی (که در جنوب غربی

ایران و شمال غربی عراق صحبت می‌شود) مطابق نظر پائول به وضوح بخشی از زبان کردی نیستند. از نظر او باوجود شباهت‌های آوایی، واژگانی و نحوی بسیار، مرزهای زبانی بین زازاکی و کردی از یک سو و بین گورانی و کردی از سوی دیگر بسیار روشن است. مطابق نظر پائول تجزیه و تحلیل آواشناسی تاریخی نیز شکی باقی نمی‌گذارد که زازاکی و گورانی دو زبان ایرانی غربی هستند که کاملاً متمایز از زبان‌های کردی می‌باشند اما در طول زمان بر زبان کردی تأثیر گذاشته‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. از نظر پائول درباره لکی متفاوت است، چون که ویژگی‌های بسیاری را با کردی جنوبی به اشتراک می‌گذارد و این امکان وجود دارد که لکی را به عنوان یک گویش کردی در نظر بگیریم. با این حال، این امر ضروری نیست (پل، ۲۰۰۸).

بدیهی است که تعیین مرزهای دقیق هر زنجیره گویشی بزرگ دشوار است و باید برای آنها معیارهای منفرد یا تا حدی ویژه را تعریف کرد. پاسخ به این پرسش که آیا واقعاً می‌توان همه این زبان‌ها/گویش‌ها را یک زبان واحد به نام کردی نامید، خود امری دشوارتر می‌باشد زیرا گاهی تمایز میان دو گویش از زبان کردی (برای نمونه شمالی و جنوبی) آن اندازه زیاد است که تفاهم میان دو گویشور ناممکن می‌شود. تا کنون هیچ «زبان استانده» کردی در کشورهای مختلف که کردها در آن زندگی می‌کنند وجود نداشته‌است، اما در دهه های گذشته شاهد تکامل گونه‌ای استانده از زبان نوشتاری منطقه‌ای در برخی از این کشورها با استفاده از متون مختلف بوده‌ایم. این می‌تواند به عنوان یک نقطه شروع احتمالی برای تکامل چند زبان کردی (بر اساس گویش‌های کرمانجی و سورانی) در آینده باشد (پل، ۲۰۰۸).

گویش‌های گوناگون زبان کردی را می‌توان به سه زیرگروه زیر تقسیم کرد:
(۱) کردی شمالی: گروه شمالی از نظر تعداد گویشوران پرشمارترین گروه گویشی است.

این گروه به دو زیرگروه تقسیم می‌شود:

گروه غربی: شامل گویش‌های موسوم به کرمانجی می‌شود که در شهرستان‌های واقع در شرق و جنوب شرقی ترکیه، در جوار مناطق کردنشین ایران و سوریه صحبت می‌شود. این گروه شامل زبان مهاجرین کرد که در سیلیسی پراکنده هستند نیز می‌شود. به این گروه زبان کردی رایج در دشت جزیره در شمال شرقی سوریه و کردهای ساکن لبنان را نیز باید اضافه کرد. گویش‌هایی که به گویش‌های ذکرشده نزدیک هستند، عبارت‌اند از: گویش‌های کردی رایج در شمال استان آذربایجان غربی در ایران، همچنان

که کردی رایج در استان‌های خراسان و بلوچستان، و احتمالاً کردی رایج در افغانستان نیز از همین گروه هستند (بلو، ۱۳۸۳ : ۵۴۲).

(۲) کردی مرکزی: گروه مرکزی در شمال شرقی عراق در سلیمانیه، اربیل، کرکوک و خانقین رواج دارد و در آن ناحیه بر مبنای سلطان‌نشین باستانی سوران، این گروه زبانی سورانی نامیده می‌شود. این گروه شامل گویش‌هایی می‌شود که در همسایگی نواحی ذکرشده، یعنی در کردستان ایران (در جنوب استان آذربایجان غربی) رواج دارند و موسوم به کردی یا مکرری هستند. این گروه زبانی تا ناحیه جنوبی‌تر در استان کردستان نیز امتداد می‌یابد، جایی که گویشی به نام‌های (سندجی) رواج دارد (بلو، ۱۳۸۳ : ۵۴۲).

(۳) کردی جنوبی: از تعداد زیادی گویش‌های متفاوت تشکیل شده که از این بین می‌توان به گویش کرمانشاهی (رایج در استان کرمانشاه)، گویش سنجایی، گویش کلهری، گویش لکی، گویش لری متعلق به پشتکوه) و غیره اشاره کرد (بلو، ۱۳۸۳ : ۵۴۲).

۲.۱.۳. ساخت‌واژشناسی صرفی زبان کردی

زبان ایرانی باستان از یک دستگاه گسترده و پیچیده صرفی برای بیان نقش نحوی اسامی و ضمائر در جمله بهره می‌برد. در این دستگاه صرفی بر پایه نقشی که واژه قرار است در جمله به عهده گیرد (نهادی، رایبی و ...)، وندهای تصریفی به پایان اسم افزوده می‌شوند و با توجه به این پایانه‌ها نقش نحوی و ارتباط اجزاء کلام با یکدیگر مشخص می‌شود. ضمائر نیز از این دستگاه صرفی پیروی می‌کنند اما نه با استفاده از پایانه‌های صرفی، بلکه ضمائر در حالت‌های گوناگون صرفی دارای ریخت‌های متفاوتی هستند. زبان ایرانی باستان در گذار زمان دستخوش تحولات آوایی شدید و گسترده‌ای شده است. مسیر بنیادینی که زبان‌های ایرانی در نتیجه این تحولات آوایی طی کرده‌اند، گذار از زبانی کاملاً تصریفی به زبانی تحلیلی است. اما این یک گذار طولانی و تدریجی بوده و امروزه نیز هر کدام از زبان‌های ایرانی در نقطه متفاوتی از طی این مسیر قرار دارند. از آن دستگاه پیچیده صرفی آنچه که در زبان فارسی میانه باقی مانده است، نظامی صرفی مبتنی بر تمایز میان حالت فاعلی (صریح) و حالت غیر فاعلی (غیر صریح) است که این تمایز نیز به مرور زمان در حال از بین رفتن است تا به زبانی همچون فارسی دری و برخی از گویش‌های کردی برسیم که در آن‌ها از این دستگاه صرفی نشانی نیست. نظام صرف در زبان کردی دارای حالت‌های صریح و غیرصریح، حالت ترکیب‌های اضافی و وصفی و حالت ندایی است. اما

اساس این نظام صرفی، به‌ویژه در مورد صرف ضمائر، همچون فارسی میانه و بلخی بر پایه تمایز میان دو حالت صریح و غیر صریح است که در این پژوهش مورد تمرکز ماست. با کنار نهادن ترکیب‌های اضافی و وصفی و حالت ندایی، صرف اسامی در زبان کردی به طور کلی از جدول زیر پیروی می‌کند (مکنزی، ۱۳۹۱: ۵۸).

جدول شماره ۱

	مفرد		جمع
	مذکر	مونث	مذکر و مونث
صریح	- ø	- ø	- ān
غیر صریح	- (ī)	- ē	

تمایز میان حالت‌های صرفی صریح و غیر صریح در ضمائر شخصی کردی نمود روشن‌تری دارد. جدول زیر ضمائر شخصی را در کردی کرمانجی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲

ضمایر غیرفاعلی	ضمایر فاعلی	ضمایر به فارسی
min	ez	من
te	tu	تو
wî / wê	ew	او
me	em	ما
we	hûn	شما
wan	ew(-an)	آنها

۲.۳. ساخت کنایی

«ساختار کنایی / ارگتیو»^۱ در مطالعات زبان‌شناسی تاریخچه‌ای طولانی و بحث‌انگیز دارد، به گونه‌ای که جانانان سیلی^۲ مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخ‌نگاری کنایی» دارد و آن را چنین تعریف می‌نماید:

1. ergative construction
2. Jonathan Seely

«پذیرفته‌شده‌ترین تعریف «کنائی» مبتنی بر حالت دستوری^۱ است، یعنی حالت فاعل فعل متعدی، که طبق آن، حالت مطلق^۲ (فاعلی)^۳ شامل هم فاعل فعل لازم و هم مفعول فعل متعدی می‌شود. بدین ترتیب حالت کنائی متضمن تمایز یا فقدان ارتباطی است میان فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی. سیلی اصطلاح ارگتیو یا کنائی را از واژه یونانی *ergon* به معنای «کار»^۴ یا «عمل»^۵ می‌داند که به لحاظ مفهومی بیانگر اصطلاح «عملی»^۶ یا «عاملی»^۷ می‌باشد (دبیری مقدم ۱۳۹۲: ج ۱: ۴۹).

ساخت کنایی بر دو گونه است: ۱- ساخت کنایی کامل: که در آن فعل متعدی در همه زمان‌ها با مفعول مستقیم مطابقت می‌کند. ۲- ساخت کنایی گسسته که در آن فعل متعدی تنها در زمان گذشته با مفعول مستقیم مطابقت می‌کند که به همین دلیل آن را ساخت کنایی زمان مبنا نیز می‌نامند. ساخت کنایی در زبان‌های کردی کرمانجی و فارسی میانه از گونه دوم است و فعل زمان حال در این زبان‌ها از نظام فاعلی-مفعولی پیروی می‌کند. در نتیجه در ساخت کنایی در زبان‌های کردی و فارسی میانه، از آنجا که مفعول مستقیم از نظر دستوری فاعل جمله محسوب می‌شود با صرف صریح در جمله می‌آید و فاعل واقعی یا عامل که دیگر نقش فاعلی را در جمله ایفاء نمی‌کند بایستی در حالت غیرصریح بیان شود. این امر با توجه به دستگاه صرفی حاکم بر اسامی و ضمائر در این زبان‌ها که مبنی بر تمایز میان دو حالت صرفی صریح و غیرصریح است، ممکن می‌شود.

۴. فعل و وابسته‌های آن

نظریه دستور وابستگی، یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی ساخت‌گرا و صورت‌گراست (امید طبیب‌زاده ۱۳۸۵: ۲۳/ پیترا^۸ متیوس ۱۳۸۹). این نظریه بر اساس وابستگی بین عناصر هسته و وابسته در زبان به توصیف ساخت‌های نحوی می‌پردازد. بر اساس این نظریه «ظرفیت فعل»^۹، مرکز ثقل ساختاری جمله به شمار می‌رود. این ظرفیت فعل است که وابسته‌های متممی و بقیه عناصر جمله را مشخص می‌سازد و در واقع «فعل» هسته جمله می‌باشد.

-
1. grammatical case
 2. absolutive
 3. nominative
 4. Work
 5. Deed
 6. Operative
 7. Agentive
 8. Peter Matthews
 9. Verb Valency

بر اساس دستور وابستگی هر جمله یک فعل مرکزی دارد و بر اساس نوع و تعداد متمم‌های اجباری و اختیاری آن فعل مرکزی، می‌توان ساخت بنیادین جمله‌هایی را که آن فعل در آن‌ها به کار رفته است، تعیین کرد.

درباره ظرفیت افعال می‌توان چنین گفت که هر فعل، چه لازم چه متعدی، دارای حداقل یک وابسته است که همان کنش‌گر فعل می‌باشد که انجام فعل بر عهده اوست. هر فعل متعدی علاوه بر کنش‌گر نیازمند یک کنش‌پذیر مستقیم نیز هست که عمل روی او انجام می‌شود. برخی افعال متعدی علاوه بر کنش‌پذیر مستقیم، یک کنش‌پذیر غیر مستقیم را نیز به عنوان وابسته خود دارد که بهره‌ور عمل است. در اینجا به بررسی رابطه فعل و وابسته‌های آن در ساخت کنایی در زبان کردی و مقایسه آن با فارسی میانه می‌پردازیم.

۱.۴. فعل و کنش‌گر

فعل در زبان‌های فاعلی-مفعولی در شخص و شمار از کنش‌گر پیروی می‌کند در حالی که کنش‌گر در ساخت کنایی دیگر فاعل دستوری، یعنی تعیین‌کننده شخص و شمار وندهای تصریفی افزوده شده به فعل، نیست و رابطه میان فعل و کنش‌گر از این نظر گسسته می‌شود. از این رو در زبانی همچون کردی که تمایز صرفی میان حالت فاعلی و غیرفاعلی وجود دارد، کنش‌گر تنها می‌تواند در حالت صرفی غیرفاعلی بیان شود که در ساخت کنایی به آن عامل می‌گویند. در جمله‌های زیر این موضوع کاملاً روشن می‌شود و می‌توان فقدان مطابقت فعل با کنش‌گر را مشاهده نمود. تذکری که درباره این مثال‌ها ضروری است این است که در زبان‌های کردی و فارسی میانه، فعل ماضی سوم شخص مفرد فاقد شناسه یا فعل کمکی است در نتیجه فعل هنگام مطابقت با مفعول مستقیم سوم شخص مفرد، با همان ماده ماضی برابر است. از این رو جهت تمرکز بر رفتار عامل و رابطه میان فعل و کنش‌گر، مفعول مستقیم در این مثال‌ها تنها سوم شخص مفرد خواهد بود.

1. min meriv dît. من انسان را دیدم.
2. te jin-ek dît. تو زنی را دیدی.
3. me sêv-ek xwar. ما یک سیب خوردیم.
4. Rojan-ê pirtûk xwend. روژان کتاب خواند.

در این مثال‌ها می‌بینیم که شخص و شمار کنش‌گرها حاکم بر افعال نیست زیرا در این عبارات افعال با مفعول مستقیم که همگی سوم شخص مفرد هستند، مطابقت می‌کنند. در جملات ۱ تا ۳، عامل‌ها نه با ضمائر فاعلی (ez, tu, em) بلکه با ضمائر

غیرفاعلی (min, te, me) بیان شده‌اند. همچنین در مثال ۴ می‌بینیم که نام مونث "Rojan" که نقش عامل را بر عهده دارد با شناسه صرفی غیرفاعلی مونث (ê) بیان شده‌است. در زبان فارسی میانه نیز دقیقاً همین شرایط برقرار است، اما با این تفاوت که در فارسی میانه تمایز صرفی برای اسامی مفرد تقریباً از میان رفته‌است و جز در موارد معدودی، مانند نام‌های خویشاوندی، شکل فاعلی و غیرفاعلی اسم‌ها در اختیار نیست.

5. man mard dîd. من مرد را دیدم.
6. amāh nān xward. ما نان خوردیم.
7. Frêdōn duşmen ôzad. فریدون دشمن را کشت.

۲.۴. فعل و کنش‌پذیر مستقیم

همچنان که پیش از این اشاره شد فعل در ساخت کنایی با مفعول مستقیم تطابق می‌کند به عبارت دیگر این مفعول مستقیم است که تعیین‌کننده شخص و شمار وندهای تصریفی افزوده‌شده به فعل می‌باشد در نتیجه کنش‌پذیر مستقیم در ساخت کنایی نقش فاعل دستوری را برای فعل ایفاء می‌کند از این رو بایستی در حالت صرفی فاعلی بیان شود. در مثال‌های زیر می‌توان این رابطه میان فعل و کنش‌پذیر مستقیم را در زبان کردی به‌خوبی مشاهده نمود:

8. te ez dît-im. تو مرا دیدی.
9. wî tu dît-i. او تو را دید.
10. min meriv dît-in. من انسان‌ها را دیدم.

در این مثال‌ها می‌بینیم که شخص و شمار کنش‌پذیرهای مستقیم حاکم بر افعال است و فعل نه با عامل‌ها، بلکه با آن‌ها مطابقت می‌کند. در این جملات همه کنش‌پذیرهای مستقیم در حالت صرفی فاعلی بیان شده‌اند. برای نمونه در جملات ۸ و ۹ ضمائر فاعلی (ez, tu) برای بیان کنش‌پذیرهای مستقیم (مرا، تو را) به کار رفته‌است. همچنان که در مثال ۱۰ نیز واژه meriv در حالت صرفی صریح جمع بیان شده‌است که در کردی بی‌نشان است و از روی شناسه صرفی سوم شخص جمع in- که پس از فعل می‌آید متوجه جمع بودن این اسم می‌شویم.

در مثال‌های زیر می‌بینیم که در فارسی میانه نیز همین رابطه میان فعل و کنش‌پذیر مستقیم وجود دارد و نیز مفعول‌های مستقیم همگی در حالت صرفی فاعلی بیان می‌شوند:

11. tō an dîd hēm. تو مرا دیدی.
12. man tō dîd hē. من تو را دیدم.
13. man mard dîd hēnd. من مردان را دیدم.

۳.۴. فعل و کنش‌پذیر غیر مستقیم

کنش‌پذیر غیر مستقیم نیز در ساخت کنایی در حالت صرفی غیرفاعلی می‌آید. اما گاهی با جمله‌هایی در ساخت کنایی مواجه می‌شویم که فعل در آن‌ها به جای آن‌که با کنش‌پذیر مستقیم مطابقت کند، در شخص و شمار با کنش‌پذیر غیر مستقیم مطابقت می‌کند. این پدیده در زبان فارسی میانه نیز مشاهده شده است. نخستین بار مکنزی بود که در مقاله‌ای به این پدیده غیرمنتظر اشاره کرد. او با آوردن چند مثال از فارسی میانه نشان داد که فعل در ساخت کنایی، به‌ویژه در مواردی که کنش‌پذیر مستقیم در جمله غایب باشد، با کنش‌پذیر غیر مستقیم مطابقت می‌کند (مکنزی، ۱۹۶۱).

پس اورمزد با ایشان پیمانی کرد. 14. ā-šān Ohrmazd pašt-ē abāg bē kard hēnd.

در این مثال که از آغاز فرگرد چهاردهم *د/دستان دینی* نقل شده است، می‌بینیم که فعل «kard» در شخص و شمار نه با واژه «past» که کنش‌پذیر مستقیم و سوم شخص مفرد است بلکه با «šān» مطابقت می‌کند که در این جمله نقش کنش‌پذیر غیر مستقیم را دارد و سوم شخص جمع است. سپس مکنزی به وجود این پدیده در زبان کردی نیز اشاره نمود. احمد تفضلی نیز در مقاله‌ای در تأیید نظر مکنزی، چند عبارت از متون فارسی میانه شاهد آورد:

15. guft-iš ohrmazd ō mašē ud mašyānē kū mardōm hēd, pidar ī gēhān hēd, u-m bowandag-menišnih pahlom dād hēd.

هرمزد به مشی و مشیانه گفت: که انسان هستید، پدر جهان هستید. من به شما بهترین درست‌اندیشی را داده‌ام.

در این مثال که از بندهش نقل شده است می‌بینیم که فعل کمکی "hēd" که پس از فعل اصلی "dād" آمده است، با کنش‌پذیر غیر مستقیم یعنی "mašē ud mašyānē" مطابقت می‌کند. تفضلی در تحلیل این پدیده بیان کرد که یکی از شروط اصلی وقوع چنین امری این است که کنش‌پذیر مستقیم اسم مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد زیرا همچنان که پیش از این اشاره شد فعل ماضی سوم شخص مفرد نیاز به فعل کمکی ندارد. در این حالت یک فعل کمکی می‌تواند همراه با فعل بیاید که در شخص و شمار با کنش‌پذیر غیرمستقیم مطابقت کند. تفضلی سپس به وجود این پدیده در گویش‌های ایران مرکزی مانند بیدهنی اشاره می‌کند (تفضلی، ۱۹۸۶).

در زبان کردی نیز با این پدیده مواجه می‌شویم و همچنان که تفضلی در مورد زبان فارسی میانه اشاره کرد، در زبان کردی نیز این پدیده معمولاً زمانی رخ می‌دهد که کنش‌پذیر مستقیم اسم مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد.

16. salam-yān lē kird-īn. آن‌ها به ما سلام کردند.
17. pē-m wit-in. من به شما گفتم.

(مکاروس، ۲۰۰۹)

در مثال ۱۶ می‌بینیم که فعل جمله "kird" به جای اینکه به با کنش‌پذیر مستقیم "salam" که اسم مفرد است، مطابقت کند با استفاده از وند تصریفی "īn" با کنش‌پذیر غیر مستقیم، ما، مطابقت می‌کند. در مثال ۱۷ نیز فعل با کنش‌پذیر غیر مستقیم، شما، مطابقت می‌کند.

اما یکی از متداول‌ترین شرایطی که در زبان کردی با این پدیده مواجه می‌شویم، هنگامی است که فعل جمله از مصدر «دادن» باشد. این فعل یک فعل سه ظرفیتی است و علاوه بر کنش‌گر و کنش‌پذیر مستقیم، نیازمند کنش‌پذیر غیر مستقیم نیز می‌باشد. حال اگر در جملاتی با ساخت کنایی، کنش‌پذیر غیرمستقیم اسم مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد، این فرصت برای کنش‌پذیر غیر مستقیم فراهم می‌شود که فعل «دادن» را وادار به مطابقت با خود کند. این فعل در زبان کردی در بسیاری موارد چنین رفتاری از خود نشان می‌دهد:

18. kič-ēk-yān na-dā-yn-ē. آن‌ها دختری به ما ندادند.
19. hīč-yān na-dā-w-īm-at-ē. آن‌ها هیچ به من ندادند.

(مکاروس، ۲۰۰۹)

در مثال ۱۸، فعل نه با کنش‌پذیر مستقیم، "kič-ēk" (یک دختر)، بلکه با استفاده از وند "yn=in" با کنش‌پذیر غیر مستقیم، ما، مطابقت می‌کند. در مثال ۱۹ نیز در حالی که کنش‌پذیر مستقیم، "hīč"، صفت جانشین اسم مفرد است، فعل جمله با استفاده از وند "im" با کنش‌پذیر غیر مستقیم، من، مطابقت می‌کند.

۵. نتیجه

از نظام صرفی گسترده و پیچیده ایرانی باستان آنچه که در زبان فارسی میانه بر جای مانده است یک نظام صرفی مبتنی بر تمایزی دوگانه میان حالت صرفی فاعلی و غیر فاعلی است. اساس نظام صرفی در زبان کردی نیز تقریباً بر بنیاد همین تمایز میان حالت‌های صریح و غیرصریح است. و واژه‌هایی که در جمله نقش نحوی فاعل را ایفاء می‌کنند با

صرف فاعلی یا صریح بیان می‌شوند و مفعول مستقیم و دیگر حالت‌های دستوری با صرف غیر فاعلی یا غیر صریح بیان می‌شوند. طبق نظریهٔ دستور وابستگی هر فعل با توجه به ظرفیت خود، دارای وابسته‌هایی است که به طور الزامی او را در جمله همراهی می‌کنند. بر اساس این که فعل یک، دو یا سه ظرفیتی باشد، شاهد حضور کنش‌گر، کنش‌پذیر مستقیم و کنش‌پذیر غیرمستقیم به عنوان وابسته‌های فعل در جمله خواهیم بود. هر فعل رابطهٔ مشخصی با وابسته‌های خود دارد. برای نمونه این کنش‌گر یا فاعل است که وندهای تصریفی فعل را تعیین می‌کند یعنی فعل در شخص و شمار با فاعل مطابقت می‌کند. در زبان‌های کردی و فارسی میانه ساخت کنایی گسسته وجود دارد. یعنی هنگامی که فعل جمله ماضی است، نظام فاعلی- مفعولی برقرار نیست و رابطهٔ میان فعل و وابسته‌هایش کاملاً دگرگون می‌شود. فاعل واقعی یا عامل در ساخت کنایی تعیین‌کنندهٔ شخص و شمار فعل نیست، در نتیجه دیگر نمی‌تواند با صرف فاعلی بیان شود و نشان صرف غیر صریح را به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، فعل در ساخت کنایی با مفعول مستقیم جمله مطابقت می‌کند، یعنی مفعول مستقیم تعیین‌کنندهٔ شخص و شمار فعل و فاعل دستوری است، پس با حالت صرفی صریح بیان می‌شود. در جمله‌هایی که ساخت کنایی ندارند از نظر مطابقت هیچ رابطه‌ای میان فعل و کنش‌پذیر غیر مستقیم نیست. در ساخت کنایی نیز عموماً به همین صورت است اما در برخی جمله‌ها با ساخت کنایی در زبان‌های کردی و فارسی میانه شاهد پدیده‌ای هستیم که در آن فعل به جای کنش‌پذیر مستقیم با کنش‌پذیر غیر مستقیم مطابقت می‌کند. یکی از حالت‌هایی که این امر غیرمنتظر در آن رخ می‌دهد، هنگامی است که کنش‌پذیر مستقیم اسم مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد. از آنجا که فعل ماضی سوم شخص مفرد در زبان‌های کردی و فارسی میانه شناسه یا فعل کمکی ندارد، این فرصت برای کنش‌پذیر غیر مستقیم ایجاد می‌شود که فعل را وادار به مطابقت با خود کند. یکی از فعل‌هایی که در زبان‌های کردی و فارسی میانه بسیار مشاهده شده که با کنش‌پذیر غیر مستقیم خود در شخص و شمار مطابقت کند، فعل سه ظرفیتی «دادن» در این زبان‌ها است.

منابع

- ادریسیان، غلامعلی، ۲۰۱۶، کرد و کردستان در هزاره‌های ما قبل تاریخ و عهد باستان، عراق، انتشارات سه رده هم- سلیمانیه.
- اکبری مفاخر، آرش، ۱۳۹۷، در کوی آرشان، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات افشار، نشر سخن.

- اکبری مفاخری، آرش، ۱۳۸۹، سرود و رمزگان، شعری به زبان گورانی از سده نخست هجری به خط پهلوی (مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۱۷).
- بلو، ژویس؛ باراک، ویسی، ۱۳۹۲، دستور کردی کرمانجی، ترجمه علی پاک‌سرشت، تهران، بی‌نا.
- تاش، چتین، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی واژگان کردی کرمانجی با واژگان زبان فارسی میانه، رساله دکترای فرهنگ زبان‌های باستانی، تهران، دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۹۸، مینوی خرد، تهران، توس.
- جهانبخش، فرهنگی، ۱۴۰۰، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، بی‌نا.
- چادویک، هـ مونرو؛ چادویک، ن کرشاو، ۱۳۶۶، رشد ادبیات: ج اول ادبیات باستان اروپا، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، علمی فرهنگی.
- حق بین، فریده، ۱۳۹۲، زبان‌شناسی ایرانی، تهران، نشر مرکز.
- دبیری مقدم، محمد، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران، سمت.
- روبینر، آر. اچ، ۱۳۷۰، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، نشر مرکز.
- سورن، آ. ام، ۱۳۷۸، تاریخ زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، سازمان انتشارات سمت.
- طیب زاده، امید، ۱۳۸۵، ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز، تهران، نشر مرکزی.
- علی ایف، اقرار، ۱۳۹۲، پادشاهی ماد، ترجمه کامبیز میر بهاء، تهران، ققنوس.
- کریمی دوستان، غلامحسین، ۱۳۸۰، کردی ایلامی، سنجندج، دانشگاه کردستان.
- لوریا، الکساندر، ۱۳۷۸، زبان شناخت، تهران، انتشارات انزلی.
- متیوس، پیتر، ۱۳۸۹، تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساختگرا، تهران، نشر قطره.
- مینورسکی، ۱۳۷۹، کرد، ترجمه حبیب‌اله تابانی تهران، نشر گسترده.
- هایز، جان لوئیز، ۱۳۸۹، اصول دستور زبان سومری و تاریخ و باستان‌شناسی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه.
- یاسمی، رشید، ۱۳۶۳، کرد، پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران، امیر کبیر.
- Benveniste, E., 1952, «La Construction passive du parfait transitif» *Bulletin de société de Linguistics*, 48, 52-62 (translated in his problems in general linguistics pp. 153-161)
- Cardona, G., 1970, «The Indo- Iranian construction mana (mama) krtam» *Language*, 46, 1-12
- Skjaervø, P.O., 1985, «Remarks on the old Persian Verbal system» *Munchner Studien zur Sprachwissenschaft*, 45; 211-227
- Haig, G., 2008, «Alignment change in Iranian Languages, A Construction Grammar approach» Berlin: Mouton de Gruyter.
- Tafazzoli, A., 1986, «The Indirect Affecce' in Pahlavi and in a central Dialect of Iran» (*Studia Grammatica Iranica Festschrift fur Helmut Humbach* (pp. 483- 487). R.Kitzinger, Munchen.
- Mackenzie, D., 1961, *Kurdish Dialect Studies*, Vol. I. Oxford University Press
- _____, 1964, «The Indirect Affectee in Pahlavi» In Dr. Unvala memorial volume (pp.45-48 Bombay)
- Payne, J.R., 1979., «Transitivity and Intransitivity; ty in the Iranian Language of the U.S.S.R» (is the meeting of the Chicago linguistic society. Papers from the conference on Nonslavic Languages of the U.S.S.R (pp.436-447). Chicago Linguistic Society)
- Blau, J., and Armand, A., 1965, *Dictionnaire Kurde-français-anglais = Kurdish-French-English dictionary*. Bruxelles: Publ. du centre pour l'étude des problèmes du monde musulman contemporain.
- Paul, L., 2008, 'Kurdish Language I. History of the Kurdish Language'. *Encyclopaedia Iranica*.
- McCarus, E. N., 2009. 'Kurdish'. in *The Iranian Languages*, edited by G. Windfuhr. Psychology Press.